

دریچه

پایش بی‌پایش

لیدا عسگرنیا ـ **وکیل پایه یک دادگستری**

● سال‌هاست که عملکرد صداسوسیما مورد نقد جدی کارشناسان است. عملکرد این رسانه ضعیف و غیرحرفه‌ای است. معیارهایی که در مدیای جهانی مرسوم است در این رسانه در حد بسیار ضعیف وجود دارد یا اساسا وجود ندارد، به همین دلیل مدیریت غلط نیز روزه‌روز از مخاطبان سیما کاسته و بر مخاطبان شبکه‌های فارسی‌زبان ماهواره‌ای افزوده شده است. نبود نگاه کنترکرا و منطقف از یک سو و نبود دانش رسانه‌ای از دیگرسو منجر به ریزش شدید مخاطبان آن شده است. بدیهی است که رسانه ملی با توجه به تأمین هزینه‌های آن از بیت‌المال و نیز پرداخت مالیات از‌سوی آحاد ملت باید اولاً نگاهی وحدت‌گرا داشته باشد و ثانیاً فرصت طرح مسائل عمومی و تخصصی را برای همگان فراهم آورد. مجموعه سیما متعلق به یک شرکت خصوصی نیست که با توجه به سیاست‌گذاری‌ها و سلیقه شخصی صاحب آن اداره شود. صداسویما متعلق به همه مردم است از هر طیف و جناح و از هر طبقه اجتماعی. تلویزیون حیاط‌خلوت مدیرانی نیست که با اغراض سیاسی خود نهاده‌ی را که با بودجه عمومی تأمین می‌شود به تفرجگاه اغراض سیاسی خاص خود تبدیل کنند. نمونه‌ای از این یک‌سوترگی غیرحرفه‌ای و جانبدارانه و غیرکارشناسی را می‌توان در یکی از قسمت‌های برنامه پایش مشاهده کرد که در آن رسانه را وسيله‌ای برای حمله به کانون وکلای دادگستری قرار دادند. منصرف از نقد محتوایی موضوع برنامه که دال بر بی‌اساس‌بودن ادعاهای میهمان برنامه بود، کیفیت اجرای برنامه از‌سوی مجری آن، به آشکارترین شکل نشان‌دهنده عدم رعایت معیارها و اصول حرفه‌ای از قبیل بی‌طرفی، آداب سخن و میزان آگاهی از موضوع است. روال بر این است که در برنامه‌های زنده و تخصصی باید از مجربان حرفه‌ای استفاده کرد. در معرفی برنامه فوق‌الذکر چنین آمده است: «برنامه‌ای است با رویکرد اقتصادی کشور...». اینکه وکالت چه ربطی به اقتصاد کل کشور دارد بماند، اما آیا نباید مجری برنامه در این حوزه، یعنی حقوق و وکالت، دارای حداقل تخصص لازم بوده یا مطالعات زمینه‌ای مناسب داشته باشد؟ درکتب تخصصی مصاحبه‌کننده از چنین تعریف کرده‌اند: «مصاحبه‌کننده کسی است که دارای تبحر لازم در حرفه روزنامه‌نگاری باشد و تجربیات علمی و عملی نیز در این زمینه داشته باشد» (معمذنزاد، ۱۳۸۶: ۱۲). اولین درس رسانه به‌کارگیری واژگان صحیح و مؤدبانه است. مجری حرفه‌ای باید به‌شدت مراقب لحن کلام خود باشد.

هیچ مصاحبه‌کننده حرفه‌ای و حتی آماتور در رسانه عمومی و ملی از ادبیات سیخیف استفاده نمی‌کند. عدم ابراز نقطه نظرات و نگرش‌های خود در طول مصاحبه یکی دیگر از اصولی است که مصاحبه‌کننده باید رعایت کند یک مصاحبه‌کننده موفق، به این اصل مهم توجه دارد که باید از هر نوع پیشداوری و اعمال نظر شخصی و غرض‌ورزی در طول مصاحبه دوری بجوید. درکلاس‌های فن بیان اولین نکاتی را که به کارآموز گوشزد می‌کنند این است که صرف ارتباط با مخاطب کافی نیست و مجری باید ادب رسانه‌ای را بیش از حد متعارف رعایت کند و موجب اعتباری برنامه نشود، بلکه باعث کسب اعتبار برای برنامه شود. مجری این برنامه خود را هیچ مقید به رعایت این اصول در یک مصاحبه که ظاهرا قرار است که مصاحبه کارشناسی و جدی باشد، نمی‌داند؛ برای مثال در جایی از گفت‌وگو از این عبارت استفاده می‌کند:

– آقا! جان جدت این کارو ردیف کن!

یا اینکه می‌گوید:

– الان ما باید یقه کیو بجسیم!!

یا این جمله:

– ای مردم اصل ۴۴ قانون اساسیه‌هاااا! از تو کیسه درش نیاوردیم!

در کدام شیوه‌نامه و دروس ارتباطات و گویندگی گفته شده است که مصاحبه‌کننده باید جانبدارانه حرف زده و به طیفی که به قدر سرسوزنی از آن شناخت ندارد، حمله کند؟! همین مجری در جای دیگری از برنامه خطاب به وکلای دادگستری می‌گوید: – پس اینکه می‌گفتند ما کسب‌وکار نیستیم؟ همه... خیلی خوب!!

مهم‌ترین اصل در مصاحبه رعایت اصل بی‌طرفی است. چگونه یک مجری می‌تواند به خود اجازه دهد نتها‌ش از این حیطة ادب متعارف خارج شود. بلکه به استهزا نیز بپردازد؟ یک مجری حسق به‌کارگیری لحن و ادبیات استهزاآمیز نسبت به هیچ احدالتاسی را ندارد، چه برسد به اینکه مخاطب طیف وسیعی از حقوق‌دانان مملکت باشند. در ادامه او که ذره‌ای از موضوع مورد بحث و جامعه هدف شناخت ندارد، می‌گوید:

– یعنی وکیل می‌خوایم دیکه...! نمیشه درش بسته باشه...

– این تو بمبری از اون تو بمبرا دیگه نیست این باید هرچو که هست اجرا بشه.

این شیوه مصاحبه و سبک بیانی با کدام معیار اخلاقی و حرفه‌ای سازگار است؟

به‌طور خلاصه یک برنامه گفت‌وگومحور تلویزیون در نقض ساده‌ترین و مهم‌ترین اصول حرفه‌ای و اجرایی کاملا نادرست، یکی از مهم‌ترین نهادهای قانونی کشور، یعنی وکالت دادگستری و کانون‌های وکلا در حالی نشانه می‌رود که در آن جز یک جبهه‌گیری غیرکارشناسی و غیرحرفه‌ای و کم‌مایه دیده نمی‌شود، تا‌سنگ‌بار است.

گروه هنر: نمایش فیلم‌های سینمایی در ایامی که نه‌تنها در ایران بلکه در تمام دنیا، سالن‌های سینما به روی مخاطبانش بسته است، هر روز شکل متفاوت‌تری را تجربه می‌کند. به نظر می‌رسد در این روزها هرگز نمی‌توان با قطعیت درباره زمان بازگشایی سالن‌های سینما صحبت کرد، چراکه بخش زیادی از رونق سالن‌ها به مخاطبانش وابسته است که آیا اصلا تمایلی به دیدن فیلم‌ها در محیطی که نمی‌توانند از هر لحاظ به رعایت مسائل بهداشتی آن اعتماد کنند، دارند یا خیر؟ در هفته‌های گذشته سینمای ایران هم به فکر چاره‌جویی برای عبور از این بحران افتاد. اکران آنلاین فیلم‌ها که تا به امروز تنها دو تجربه را به نامش ثبت کرده است، بسیاری را به صرافت انداخته، تا در این روزها، فیلم‌هایشان را به گونه‌ای دیگر برای مخاطبان‌شان به نمایش بگذارند. «خروج» نخستین تجربه

اکران آنلاین سینمای ایران در سال جدید، بسیاری را متوجه نقاط قوت و ضعف این طرح کرد. قاجاق غیرقانونی فیلم‌هایی که حاضر به حضور در طرح اکران آنلاین می‌شود، باز هم بسیاری را متوجه نکراتی قدیمی اهالی سینما کرد. بعد از قاجاق گسترده فیلم «خروج»، کانون کارگردانان سینمای ایران دست‌به کار شد و در نامه‌ای خطاب به حسین انتظامی، رئیس سازمان سینمایی، قاجاق این فیلم سینمایی را محکوم کرد. در این نامه بار دیگر بر لزوم توجه به قانون کپی‌رایت تاکید شد: «متأسفیم که قاجاقچیان فرهنگی این‌بار فیلم «خروج» ساخته آقای ابراهیم حاتم‌کیا را در نخستین ساعات عرضه اینترنتی هدف تاراج خود قرار داده‌اند. کانون کارگردانان سینمای ایران ضمن محکوم‌کردن قاجاق این فیلم خواستار برخورد جدی با سارقان، تکثیرکنندگان و همچنین فروشندگان غیرقانونی آن است. متأسفانه هنوز کپی‌رایت و حق مالکیت آثار فرهنگی- هنری و به‌خصوص محصولات تصویری توسط نهادهای اجرایی و نظارتی چندان و به‌طور جدی به رسمیت شناخته نشده و با سارقان آثار و اموال صاحبان این آثار برخورد ضروری و سخت قانونی نمی‌شود. تا زمانی‌که سه شرایط این‌گونه باشد و ستاد صیانت

سینمای ایران به‌دنبال چاره‌جویی



از محصولات فرهنگی از حالت «فرمایشی» به «اجرائی» درنیاید، وضعیت همین خواهد بود و به سرمایه‌های مادی و معنوی دست‌اندرکاران سینما به‌سادگی و به‌سرعت غارت خواهد شد.

اما همین موضوع عامل مهمی برای تصمیم‌گیری بسیاری از اهالی سینما مبنی‌بر چگونگی نمایش فیلم‌هایشان خواهد شد. فیلم‌هایی که به محض موافقت با اکران آنلاین، باید منتظر بود تا به فاصله چند ساعت آن را به‌صورت قاجاق تماشا کرد. با این حال، به نظر می‌رسد نمی‌توان تجربه اکران آنلاین فیلم‌های سینمایی را تا به اینجا صرفاً تجربه‌ای شکست‌خورده تلقی کرد. اکران فیلم «طلا» ساخته پرویز شهبازی که در روزهای ابتدایی پخش اکران اینترنتی است می‌تواند بیش از پیش مردم را متوجه اکران آنلاین و سازوکار آن کند و البته تداوم این طرح و نمایش فیلم‌ها با تنوع و رعایت سلیقه‌های متفاوت در طولانی‌مدت نتایج خوبی خواهد داشت. یاشار نورایی، سینمایی‌نویس، درباره نخستین تجربه اکران آنلاین و تماشای فیلم «خروج» نوشت: «اگر جریان قاجاق و داندلود غیرقانونی فیلم با تمهیداتی محدود و نظارت شود، جریان جهانی شدن فیلم‌های سینمای ایران تسریع خواهد شد. طبیعی است وقتی فاصله میان نمایش پرده‌ای یک فیلم و

اکران خانگی آن برداشته شود و در کنار ایرانی‌های داخل کشور، چند میلیون ایرانی خارج از کشور هم به فیلم دسترسی داشته باشند. وقتی من نوعی در ایران در گفت‌وگو با دوستم در خارج، در مورد فیلمی مشترک که هم‌زمان دیده‌ایم گپ بزنیم، بحث و گفت‌وگو و تبدیل‌شدن فیلم به سوزه گفتمان راحت‌تر خواهد شد و با افزودن زیرنویس می‌توان طیف مخاطب فیلم‌ها را وسعت داد. اما استفاده از این امکانات آدابی دارد که جدا از مسائل قانونی که برای پخش و داندلود غیرقانونی جرم تعیین کرده است، خود استفاده‌کننده هم باید مقید به اصولی باشد که جریان پخش آنلاین را برای صاحب اثر و سرمایه‌گذار سخت و زیان‌آور نکند!

سال‌ها دست‌اندرکاران این سینما، از شرایط اکران گله‌مند بودند. شرایط تبعیض‌آمیز اکران، سلطه گروه‌های خاص بر تبلیغ و پخش فیلم‌ها که تا مرز مافیایی‌شدن پیش رفته و برگشت اندک سرمایه از اکران، جریان پیچیده تولید و نمایش فیلم در ایران را پیچیده‌تر کرده بودند. حال فرصتی پیش آمده که در عین سهولت دسترسی به فیلم‌ها، اگر شکل رسمی و متداول بگیرد و حمایت‌بیننده را با پول اندکی داشته باشد، در عین فزونی شفافیت، سود بسیار بهتری نصیب فیلم‌ساز و تهیه‌کننده خواهد.

اگر از این فرصت بتوانیم استفاده کنیم و خودمان با قاچاقی‌دیدن محصولات، ممدست انحصارگران اکران نشویم و مناسبات سالم حول آن شکل بگیرد و زیرساخت لازم مثل سرعت اینترنت بهبود یابد و از همه مهم‌تر، اکران اینترنتی عاملی برای سرکوب سلیقه و تبعید عده‌ای فیلم و فیلم‌ساز خاص نشود و نمایش فیلم در سینما را مختص محصولات سه‌بعدی کنیم، شاید بتوان قدمی رو به جلو برداشت که در سینمای وامده و بحرانی ما، کار کمی نیست.»

از سوی دیگر در این روزها تجربه‌ای دیگر از سینمافرشن برای مخاطبان فیلم‌های ایرانی رقم می‌خورد. طرح «سینماماشین» از روز جمعه ۱۲ اردیبهشت ماه کار خود را با نمایش فیلم سینمایی «خروج» در پارکینگ شماره ۳ برج میلاد آغاز کرد و باید دید اجرای این طرح تا چه حد می‌تواند رضایت مخاطبانش را تأمین کند. طبق دستورالعمل‌های این طرح مخاطبان «سینماماشین» باید بداندند: هر جایگاه متعلق به یک خودرو است و قیمت بلیت برای هر خودرو ۴۰ هزار تومان است. نمایش فیلم فقط برای سرنشینان جلو امکان‌پذیر است و سرنشینان عقب امکان تماشای مناسب فیلم را ندارند. در صورت بارندگی شدید، سانس لغو خواهد شد و بلیت شب دیگری در اختیار قرار خواهد گرفت. ماشین‌های شاسی‌بلند در جایگاه‌های عقب‌تر مستقر خواهند شد. از ورود موتور، ون، وانت و مینی‌بوس جلوگیری خواهد شد. درب‌های محوطه نمایش فیلم از نیم ساعت قبل از شروع سانس باز خواهند شد. داشتن رادیو برای خودروها ضروری است.

اما قطعاً ظاهرناظرنگردن درباره موفقیت یا شکست این طرح را نیز باید به روزهای آینده موقوف کرد. اما شنیده‌ها حاکی از آن است که در هفته‌های آینده شاهد عنوان بیشتری از فیلم‌های سینمایی در فهرست اکران‌های آنلاین خواهیم بود و شاید بتوان در طولانی‌مدت، با رفع نواقص اکران آنلاین، موفقیت آن را تضمین کرد و بسیاری دیگر از اهالی سینما را موافق پیوستن به این طرح دید.

میراث‌خورانی چون ژان رنوار و مانوئل ده اولیوی را در ساحت نئورئالیسم، پیدا کرد. فرانسوا تروفو ایده کار با استاک نایابگیر را در چهارصد ضربه به‌کار برد و ژان لوک گدار که تدوین جششی انزنفس‌افنده را از ویگو آموخته بود فیلم «تفنگدارها» را صراحتاً به او تقدیم کرد. مضمون محرک عصیان «نمره اخلاق صفر» تا انقلاب جوانان منتهی به نهضت می‌۱۹۶۸ امتداد داشت چنانچه فیلم کالت «اگر...» لینزی اندرسون و کیوتوله‌های ورتر هنرژوک وامدارش هستند. در دهه‌های متمادی رویه ادای ارادت به آثار ژان ویگو ادامه داشته است؛ از امثال برناردو برتولوچی و امیرکاستاریکا گرفته تا دیوید لینچ در «کله پاک‌کن» و رابرت اکرز در فیلم تحسین‌شده اخیرش «فانوس دریایی» به آثار ویگو ارجاع داده‌اند. بازنافت سربلای ۸۹ دقیقه‌ای آتلانتش در دهه ۹۰ همچون گنجینه‌ای مورد استقبال قرار گرفت و شکی باقی نگذاشت که طنین آثار وی آزمون گذر زمان را تاب آورده است.

آتلانتس امروزه با قاطعیت در میان پنج اثر برتر غیرانگلیسی‌زبان تاریخ سینما قرار گرفته و ویگو نه فروخت و نه تحویل گرفته شد و به اتهام برای گزینش برترین‌های تاریخ سینما ۵۸ منتقد این فیلم را جزء ۱۰ فیلم محبوبشان قرار دادند. هیچ کارگردانی نتوانسته با دوران کاری چهارساله تأثیری به بزرگی ژان ویگو بگذارد و از این حیث تنها می‌توان او را با جیمز دین در عرصه بازیگری مقایسه کرد که با کارنامه‌ای کوتاه افسانه‌ای جاویدان رقم زد، تنها با یک فیلم بلند نخستین هم‌تراز پیشگامانی چون وارک گریفیث و اورسن ولز جایگاه ژان ویگو در تاریخ سینما را بیش از پیش رشک‌برانگیز ساخته است.

لغافه اسرارآمیز این مؤلف جوانمردگ فرجام احتمالی‌اش در صورت ادامه حیاتش است، اینکه در دوران اشغال فرانسه به‌دست رایش سوم، چه بر سرش می‌آمد؟ یا به‌مثابه فیلم‌سازی که بی‌نیاز از صوت و دیالوگ بیانگری سینمایی را در تصویر جست‌وجو می‌کرد، همچون ژان ایستین و ژاک کوکتو ناتوان از تطبیق با سینمای ناطق، محو می‌شد؟ آیا ویگو تمام ایده‌هایش را خرج کرده و مثل شاعری که تمام طبع پرشورش را سروده قرار بود در جا بزند یا هنوز مهبای ادامه شگفتی‌آفرینی بود؟ شوربخانه هرگز پاسخی برای این پرسش‌ها یافت نخواهد شد اما رهوانتیک‌ترین پرسش در باب ژان ویگو این است: زمانی که در حال احتضار درد می‌کشید و خون بالا می‌آورد از آرج و منزلتش در یک قرن بعد، تصویری داشت؟

هنر

زیر آسمان فیروزه‌ای

جشنواره لوکارنو لغو شد

● **مهر:** سازمان‌دهندگان جشنواره فیلم لوکارنو اعلام کردند دوره اسمال لغو می‌شود. این دوره که قرار بود از ۵ تا ۱۵ اگوست (۱۵ تا ۲۵ مرداد) برگزار شود، بنا به گفته لیلی هینستین، مدیر هنری جشنواره، لغو می‌شود. او با صدور بیانیه‌ای گفت با توجه به سارنوبوهای مختلف و بررسی آنها تصمیم گرفتند این دوره را برگزار نکنند. او تاکید کرد با توجه به اینکه تماشاچیان این رویداد در شمار زیاد و در گراندۀ‌پیاژه گردهم می‌آیند تا به تماشای فیلم‌ها بشینند، این کار سلامت آنها را به خطر می‌اندازد. او تاکید کرد که تصمیم ندارند این دوره را به صورت دیجیتالی یا آنلاین برگزار کنند و گفت: فکر نمی‌کنم مردم خیلی بخواهند به‌جای این فضای حیرت‌انگیز جلوی صفحه کامپیوتر بشینند تا این رویداد را دنبال کنند. به‌جای برگزاری جشنواره، مسئولان آن قصد دارند به حمایت از فیلم‌های مستقل بپردازند و این امر را با اجرای پروژه‌ای خلاقانه به نام «لوکارنو ۲۰۲۰» برای آینده فیلم‌ها» عملی کنند. گفته شده این دعوت همراه جوایزی هم خواهد بود و به فیلم‌سازان این امکان را می‌دهد تا فیلم‌هایی را که به دلیل شیوع کرونا امکان ارائه نیافتند و ضر اقتصادی هم متحمل شدند، ارائه کنند. این جوایز بر مبنای ارزش هنری اهدا می‌شوند و شامل یک جایزه پلنگ ویژه برای یک کارگردان بین‌المللی، یک جایزه پلنگ ویژه برای فیلمی سونیسی و جوایز دیگری برای حمایت از فیلم‌های دیگر خواهد بود. لوکارنو با حضور دو‌داور به بررسی برنده فیلم‌های بین‌المللی و پروژه‌های سونیسی می‌پردازد. هینستین گفت: به خودمان گفتم ما باید از الگوهای معمول فاصله بگیریم و در این موقعیت غیرمعمول به شکل دیگری فکر کنیم. باید درباره این بحران غم‌انگیز سال ۱۹۴۶ در ماه اگوست برگزار شده و از مهم‌ترین جشنواره‌های سینمایی جهان است. جایزه اصلی این جشنواره پلنگ طلای آن است. سازمان‌دهندگان جشنواره ابراز امیدواری کردند تا این جشنواره در سال ۲۰۲۱ به شیوه معمول برگزار شود.

شرایط برگزاری کنسرت

بررسی می‌شود

● دومین نشست هماهنگی دفتر موسیقی با مدیران سالن‌های برگزاری کنسرت‌ها و صنوف حوزه موسیقی برای بررسی شرایط آغاز اجراهای صحنه‌ای و بازرگانی سالن‌ها با حضور محمد اله‌باری، مدیرکل دفتر موسیقی، حمیدرضا نوربخش، مدیرعامل خانه موسیقی ایران و محسن رجب‌پور، مدیرعامل ججمع صنفی تولیدکنندگان آثار شنیداری و علیرضا اعتمادی، عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی هنرمندان موسیقی ایران و نمایندگان سالن‌ها برگزار شد. در این نشست نمایندگان سالن‌های هتل اسپیناس پالاس، تالار وزارت کشور، سالن میلاد نمایشگاه بین‌المللی تهران، سالن همایش‌های برج میلاد، سالن همایش ایرانیان، تالار وحدت و سالن برج آزادی و فرهنگ‌سرای نیاوران حضور داشتند. در این جلسه درباره رعایت موارد بهداشتی و حضور مخاطبان گفت‌وگو شد و پیشنهادهای سالن‌ها برای اقدامات بهداشتی و همچنین حمایت از اجرای کنسرت‌ها پس از بازگشایی سالن‌ها مطرح شد. این در حالی است که مقرر شد پس از جمع‌بندی شرایط و تدوین شیوه‌نامه پیشنهادی، شیوه‌نامه به ستاد ملی مقابله با کرونا ارائه شود. همچنین سالن‌ها و شرکت‌های برگزاری کنسرت‌ها برای رفاه حال مردم به توافقی‌هایی رسیدند.

انتشار مسترکلاس‌های

بزرگان سینما

● **مهر:** «مرکز هنری واکر» واقع در مینیاپولیس که میزبان برگزاری مسترکلاس‌هایی با حضور بزرگان سینما از سال ۱۹۹۰ بوده است، به دلیل ویروس کرونا به سراغ آرشپوهایش رفت تا این گنجینه را در اختیار عموم قرار دهد. آرشپو این مسترکلاس‌ها که پیش‌ازاین مرکز دیده نشده‌اند، شامل کلاس‌هایی با حضور عباس کیارستمی، انیس واردا فیلم‌ساز فقید فرانسوی، اسپیکال لی کارگردان آمریکایی، ورنر هرتسوک با حضور راجر ایبرت منتقد فقید سینما، جین کمبیون، جیم جارموش و... است. گفت‌وگوی تازه‌ای با یونگ جون‌هو کارگردان ک‌راهی فقط چند روز پس از آنکه با فیلم «انگل» در اسکار تاریخ‌ساز شد و نیز گفت‌وگوهایی با لنوس کاراکس، آیتناچونگ ویراستاکول، استن برکج و چهره‌های برجسته دیگر نیز در این مجموعه موجود است. این مجموعه برای آنهایی که به دنبال بهترین آموزش فیلم‌سازی از سوی شماری از برترین فیلم‌سازان معاصر هستند، بهترین مرجع به شمار می‌رود. فایل صوتی مربوط به عباس کیارستمی شامل گفت‌وگوی او با ریچارد پنا در مسترکلاس است. مدت‌زمان این مسترکلاس یک‌ساعت‌و ۲۷ دقیقه است. کیارستمی ابتدا به زبان انگلیسی صحبت کرده و گفته است ترجیح می‌دهد فارسی صحبت کند و سخنان او به انگلیسی ترجمه شود. او گفت‌وگویش را با یادى از نخستین تجربه سینمایی خود شروع کرده و گفته است نخستین فیلمی که او دید، از متروکلدوین مایر بود و نخستین تصویر که شیری بود که غرش می‌کرد (تصویر لوگوی کمپانی) وقتی ۱۰ سال داشت، باعث شد او برترسد و دست خواهرش را در دست بگیرد.